

وضعیت ابنیه شهری اصفهان در دوره حکومت ظل السلطان

حسین پورنادری^۱

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان

کلیدواژگان: ظل السلطان، مسعودمیرزا، آقانجفی، معماری اصفهان دوره قاجاریه.

چکیده

و شهری غیر قابل جبران بوده است.

مقدمه

بسیاری از منابع تاریخی عصر قاجار، ظل السلطان، مسعودمیرزا پسر بزرگ ناصرالدین شاه را پدیده عجیب و استثنایی در نظر آورده‌اند. حاکم ثروتمندی که، زمانی بر نزدیک نیمی از مملکت حکمرانی داشته است.^۲ در نوشته‌هایش، از عظمت گذشته ایران و رجال بزرگ آن تعریف و تمجید و کارهای شاه عباس اول و دوم را ستایش کرده، اراده آنان را فراتر از قدرت‌های معمول دانسته است، و با این حال متهم به تخریب ابنیه صفویه^۳، اعمال ظلم و جور، تعدی به جان و مال و ناموس مردم^۴، شده است. رفت‌وآمدها و وابستگی‌های او به تهران (پایتخت) را گاه موجب شکوفایی اصفهان آن روزگار قلمداد کرده‌اند و گاه سبب‌ساز خودکامگی‌ای که به زور و سرکوب بیشتری انجامیده است.^۵ به نظر می‌رسد، فرایند اعوجاجات او بر چهره شهر مؤثر بوده است. این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به سوالات ذیل است:

در فتنه افغان‌ها، بسیاری از زیرساخت‌ها و ابنیه ارزشمند اصفهان از بین رفت، از سکنه خالی شد و تا نزدیک دو قرن پوسته فرسوده و آثار معماری و شهرسازی آن رها شده و بی‌اعتنا باقی ماند. در دوره قاجاریه حاکمان اصفهان تا حدود سال ۱۲۹۰ ق یکی پس از دیگری روی کار آمدند و به سرعت کنار رفتند. با آمدن مسعودمیرزا ظل السلطان پسر بزرگ ناصرالدین شاه فصلی دیگر گشوده شد. به نظر می‌رسد، در اوایل این دوره، در اصفهان هم فعالیت‌های قابل قبول و مثبت رخ داده، به طوری که سرمایه‌های از دست رفته آن احیا و هم ضدیت با ابنیه کهن، تخریب و فروش مصالح آثار، و مصادره اموال مردمانش تجربه شده است. هدف این پژوهش نظر و تأملی بر وضعیت ابنیه شهر در این دوره است. دوره‌ای که بیش از یک‌سوم قرن طول کشید. نتایج حاصل از مطالعات نشان می‌دهد، در طی هفت سال آغاز حکومت او، وجود و عملکردش، با توجه به شرایط زمان، قابل قبول و مؤثر بود. اما، از حدود ۱۲۹۸ ق تا پایان حکومت او در دوره ناصری، آثار سوء مدیریت و حاکمیتش بر روند زندگی مردم روستایی

1. h_pournaderi@ yahoo.com

۲. غلامحسین افضل‌الملک، افضل التواریخ، ص ۱۷۹؛ میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، مکارم الآثار، ص ۱۸۱۴.

۳. ویلفرد بلانت، اصفهان، مروارید ایران، ص ۱۹۴.

۴. مهدی بامداد، شرح رجال ایران، ص ۹۸.

۵. فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، ص ۲۲۹.

پرسش‌های تحقیق

۱. آیا فرایند مدیریت و کارکرد او بر چهره شهر و ابنیه آن تأثیر مستقیم و یا غیر مستقیم داشته یا خیر؟
۲. اکنون که پس از ۱۲۰ سال، به نظر می‌رسد باز شاهد رویکردهای بازدارنده و منفی مشابه در سیمای شهری و ابنیه تاریخی شهر هستیم؛ آیا نسبتی بین این دو رویکرد با فاصله زمانی بیش از یک قرن وجود دارد؟
۳. زمینه‌های تخریب ابنیه تاریخی این زمان قابل توضیح است؟
۴. وضعیت ابنیه شهری در این دوره چگونه بوده است؟

آیا فرایند مدیریت و کارکرد او بر چهره شهر و ابنیه آن تأثیر مستقیم و یا غیر مستقیم داشته یا خیر؟

اکنون که پس از ۱۲۰ سال، به نظر می‌رسد باز شاهد رویکردهای بازدارنده و منفی مشابه در سیمای شهری و ابنیه تاریخی شهر هستیم؛ آیا نسبتی بین این دو رویکرد با فاصله زمانی بیش از یک قرن وجود دارد؟
زمینه‌های تخریب ابنیه تاریخی این زمان قابل توضیح است؟
وضعیت ابنیه شهری در این دوره چگونه بوده است؟

۱. اصفهان پس از صفویه تا حکمرانی ظل‌السلطان

با هجوم افغانان، شهری بزرگ و توانمند به صورت ویرانه بر جمعیتی حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر (یک‌هفتم جمعیت اصلی خود) واگذاشته شد.^۶ افغان‌ها اسناد و دفاتر املاک دولتی و غیر دولتی را، که در محل کاخ چهل‌ستون نگه‌داری می‌شد به زاینده‌رود ریخته بودند.^۷ این نابه‌سامانی‌ها تا روی کار آمدن فتح‌علی‌شاه و صدارت حاج محمدحسین‌خان صدر اصفهانی افت و خیز داشت. صدر توانسته بود به این وضعیت سروسامانی دهد^۸ و املاک خالصه را از دولت اجاره کند.^۹ به هر حال اصفهان درآمدی پیدا کرد و از آنجا که او بسیار سخی طبع بود، تمام درآمد شهر را به تناسب صرف آبادانی آن کرد. این رویه را پس از فوت صدر نیز، برای مدت کوتاهی، امین‌الدوله پسر صدر ادامه داد.^{۱۰} این‌گونه اقدامات، که رضایت نیروهای محلی اصفهان و روحانیت و مردمان شهر را به همراه داشت، الگویی بود، که پیش از این نیز در زمان کریم‌خان زند سابقه داشت. با روی کار آمدن ظل‌السلطان، وزیران و پیشکاران باتدبیر او، این نیت را دوباره به جریان انداختند و الگوی صدری به گونه‌ای دیگر در اصفهان آغاز شد.^{۱۱} در الگوی صدری توجه به تأسیس و تقویت زیربنای شهر و نگاه کلان به گسترش و توسعه پایدار شهر بود.

۲. آغاز کار ظل‌السلطان در اصفهان

ظل‌السلطان در بدو ورود در ۱۲۹۱ق به اصفهان چنین نوشته است: «اصفهان حقیقتاً یک تل خاکستر است، به هیچ‌وجه بوی خیر و آبادی در او نمی‌آید».^{۱۲} او که تا آن زمان حکومت‌های یکی دوساله خود را تجربه کرده بود و آن‌طور که خود می‌خواست و می‌گفت از زندگی جنگلی و کوهستانی طرفی نبسته

۶ میرزااحسین‌خان تحویلدار اصفهانی، جغرافیای اصفهان، ص ۳۱-۳۲.
۷ حاج میرزااحسن‌خان جابری انصاری، تاریخ اصفهان، ص ۲۶؛ محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی، نصف جهان فی تعریف اصفهان، ص ۱۹۸.
۸ لطف‌الله هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۷۴۳.
۹ جابری انصاری، همان، ص ۳۰.
۱۰ محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی، همان، ص ۲۸۰؛ جابری انصاری، همان، ص ۳۲؛ هنرفر، همان، ص ۷۴۳-۷۵۱.
۱۱ محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی، همان‌جا.
۱۲ مسعود میرزا، سرگذشت مسعودی، ص ۲۳۳.



بود، اصفهان را برای اقامت دائمی خود اختیار کرد. با تجربه حکومت قبلی و بی‌دردسر او در اصفهان، رابطه او با برخی از علمای با نفوذ شهر، و رفت‌وآمد با برخی از رجال و اعیان نیز در تصمیم او بی‌تأثیر نبود. مهم‌تر، علاقه وافر او به حومه‌ها و مناطق کوهستانی اصفهان بود، که آب‌وهوای مطلوب، اراضی بکر، و زیستگاه‌های حیات وحش داشت. در آن زمان، در شهر اصفهان خانه‌های خراب و رهاشده به قدری ارزان بوده که، یک فرد متمول می‌توانسته تمام شهر را بخرد، و بیرون شهر خالصه‌ها به حدی ویران و به هم ریخته بوده که، با قدری همت می‌شد آن‌ها را تحت قاعده آورد، و او از این اوضاع مطلع بوده. او می‌گوید: «اگر جوهری دارم و نمک به حلال هستم و خدا بخواهد، اصفهان را نوعی ترقی بدهم که رشک جنان بشود».^{۱۳} وی درباره سامان دادن قشون و غارت مردم اصفهان هم ایده خاص خود را داشت. او به تقلید از عباس‌میرزا ولیعهد فتح‌علی شاه که، توانسته بود به کمک وزیر نیرومندیش قائم‌مقام فراهانی قشون تبریز را نوسازی کند، توانست افواج ثلاثه اصفهان را به بیست فوج سواره، پیاده، قراسوران، و... برساند و خود تهدیدی برای پادشاه شود.^{۱۴}

در ایام خاصی از سال برنامه‌های نمایشی نظامی و قدرت‌نمایی خود را به تماشا می‌گذاشت و از سران قبایل که می‌توانستند برای او تهدیدهایی باشند دعوت می‌کرد، تا فکر سرکشی و نافرمانی را به خود راه ندهند.^{۱۵}

اغلب فرستادگان سیاسی و نظامی دول اروپایی، که در این دوره به اصفهان آمده‌اند، از نظم و ترتیب و لباس و کلاه خود افواج ظل‌السلطان، که تقلیدی از فرم‌های پروسی بود، سخن به میان آورده‌اند. همین ویژگی بود که تا قبل از عزل و تقسیم قشونش در ارتش مرکزی کشور، او را در حد پادشاه آینده ایران اعتبار داده بود.^{۱۶}

۱-۲. برقراری نظم و ترتیب املاک خالصه

اهرم‌های قدرتش او را به یک عامل اجرایی توانمند تبدیل کرده بود. با قدرت تفکر پیشکاران باندبیر و وظیفه‌شناس و حمایت‌های همه‌جانبه آن‌ها نظم برقرار می‌شد. کار او در ابتدا سرمایه‌گذاری بر زمین‌های دولتی بود که، پس از قحطی سه‌چهارساله بیکار و بی‌سامان و بی‌هدف رها شده بود. کافی بود وی به صورت ساده معادلات چگونگی انجام کار را بداند و از عواید آن آگاه باشد، در اجرای آن دیگر تردیدی به خود راه نمی‌داد. جابری می‌نویسد: «سال ۱۲۹۱ ق ظل‌السلطان زمین‌های خالصه را به

ت ۱. خانه سرتیپ سده‌هی (یکی از فرماندهان ظل‌السلطان).

۱۳. مسعودمیرزا، همان، ص ۲۳۳ و ۲۳۹.

۱۴. جابری انصاری، همان، ص ۳۵.
۱۵. در یکی از همین مراسم بود که ظل‌السلطان حسین‌قلی‌خان ایخانی و پسران او را دعوت کرد و پس از پذیرایی آن‌ها را غافلگیر کرد و ناجوانمردانه او را کشت (به نقل از خسرو معتضد).

ت ۲. خانه زفره - اصفهان.



دولت پیشنهاد مقطعه دهساله نمود».^{۱۷}

۲-۲. تغییر نگرش به ارزش زمین و ساخت عمارات برون شهری

در همین سال‌ها نگرش مالکانه به زمین هم تغییر کرد و آن را به نوعی کالای دائم در حال مرغوب شدن و نتیجتاً ازدیاد قیمت شدن درآورد. در پی آن، وی بازی‌های خود را با زمین به طرق مختلف آغاز کرد، به طوری که می‌نویسد «نیمی از محلات متعلق به من است».^{۱۸}

احداث عمارات و ساختمان‌های متعدد و قلاع و قلعه‌چه‌ها در عرصه کوه‌ها و تپه‌ها و تملک مناطق وسیع برای شکارگاه و بیلاق و اقامت‌های کوتاه او در آن‌ها، نیز نتیجه همان بازی‌ها بود.

۲-۳. تعمیر شهر و متعلقات دیوانی

ظل السلطان در این دوره، از هر پدیده جذاب و آبرومند در پایتخت، نسخه خاص خود را در اصفهان می‌ساخت تا عقب نماند. ایجاد تکیه به سبک تکیه دولت، میدان‌های مشوق، سربازخانه، دفتر روزنامه، باغ وحش، مدرسه جدید، و... از آن جمله‌اند. او هم اقدام به ساخت سربازخانه، فتحیه، و توپخانه کرد و هم به مرمت و آبادی بازارهای و فضاها شهری پرداخت.^{۱۹} از جمله این اقدامات، مرمت میدان نقش جهان، میدان چهارحوض، و دکاکین

۱۶. جابری انصاری، همان، ص ۳۵ و ۳۶.

۱۷. همان، ص ۳۵.

۱۸. مسعودمیرزا، همان، ص ۶۸۸.

۱۹. جابری انصاری می‌نویسد: «زمانی که اجرت اول استاد معمار یک ریال بوده، عمه دو عباسی، و آجر بزرگ سفید ۱۰۰۰ قالب دو تومان، و .. دولت سالی ۲۰۰۰ تومان برای اندودمالی و تعمیر عمارات دولتی می‌داد که دخل پیشکار و حکمران شده بود؛ او هر ساله پنجاه برابر به عنوان تعمیر به خرج دولت آورد».

۲۰. میرسیدعلی جناب تیمچه ملک را در فهرست خود در سال ۱۳۰۳ درج کرده است.

۲۱. جابری انصاری، همان، ص ۳۶؛ سیدمصالح‌الدین مهدوی، مزارات اصفهان، ص ۳۰۸.

۲۲. ابراهام ویلیامز جکسن، سفرنامه جکسن، ص ۳۱۳.

مردم بود. تیمچه ملک^{۲۰}، که یکی از نفایس معماری اصفهان است و کتیبه‌ای در اهمیت تجارت دارد و نام ظل السلطان را هم به رقم آورده، در این دوره بنا شده است. روند مثبت تغییر چهره اصفهان در این زمان حاکی از حاکمیت صدق و صفا و آرامشی ناشی از قدرت و تدبیر وزرای کارداران او است، که پنهانی از جانب مشیرالدوله صدر اعظم ناصرالدین شاه حمایت می‌شدند. اما به گفته جابری «پس از تغییر اداراتش [عزل او از حکومت‌های سایر ولایات در ۱۳۰۵ق] ناامید گردید، به‌ویژه پس از مردن اعضای باکفایت، چون حاج میرزاعلی و مشیر انصاری، پاره‌ای از نوکران تازه چرخ گرد او همی "بله قربان" گفتند».^{۲۱}

به طور کلی عوامل ذیل را می‌توان ویژگی‌های قدرت سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی اولین دهه حکومت ظل السلطان برشمرد.

خانه و مقرر حکومتی او در مرکز تاریخی شهر و مرکز فعالیت‌های مردمی بود. عالی‌قاپو و چهل‌ستون محل اقامت او و عمارت سرپوشیده و صدری حوزه‌های دیوان و سازمان اداری او محسوب می‌شدند.^{۲۲}

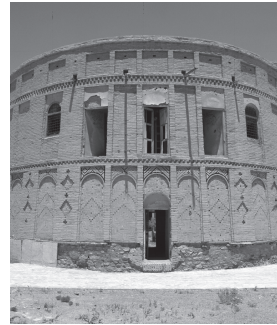
ارتباط منطقی او با شخصیت‌ها و قدرت‌های محلی در جهت شکل‌دهی و قوام آوردن سازمان حکومتی و مشارکت دادن نیروهای مردمی بود، نه جدایی از آنان.

فعالیت‌های ثبت و ضبط و صورت‌برداری از املاک دولتی به هم ریخته می‌توانست اهداف ملی را دنبال کند.

اقدامات بالا ضرورتاً نیاز به زمینه خوش‌بینانه‌ای داشت، تا مردم در روند همکاری‌ها با ذهنیت مثبتی مشارکت کنند.

با استفاده از افراد سرشناس و رجال مورد اعتماد مردم و پیشکاران شایسته که اجداد آن‌ها نسل در نسل به مردم خدمت کرده بودند و خدمات آن‌ها تا دوره زندگی روشن و شفاف بود، و نیز ارتباط توأم با احترام با مجتهدین و پایگاه‌های آنان، به حکومت خود مشروعیت می‌بخشید.

شرایط ناشی از قحطی چهارساله، که مردم نسبت به تولید



ت ۳. (بالا) قلعه قمیشلو، شکارگاه، و تفریحگاه ظل السلطان، اصفهان.
ت ۴. (پایین) قلعه قمیشلو، شکارگاه، و تفریحگاه ظل السلطان، اصفهان.

غلات و محصولات کشاورزی عطش پیدا کرده بودند، را به خوبی درک و بهره‌برداری کرد.

۳. ظل السلطان و وضعیت اجتماعی، اقتصادی اصفهان

۳-۱. ارتباط با روحانیت

در اصفهان دوره ظل السلطان آقانجفی همان قدرتی را داشت که سید شفتی در عهد فتح‌علی‌شاه، به نظر می‌رسد هر دو مجتهد در جمع‌آوری ثروت، دخالت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست‌های مدیریت شهر و حکومت، نفوذ کلام، انگیزش مردم، و شورش علیه حاکم همانند بودند.^{۳۳} همچنین در ساخت مسجدهای معتبر، [آقانجفی مسجد عظیم نو بازار را ساخت و سید شفتی مسجد باشکوه سید را] به طوری که می‌توان گفت سید شفتی الگویی برای آقانجفی بود. ظل السلطان از قدرت حکومتی منوچهرخان معتمدالدوله حاکم توانمند اصفهان در زمان محمدشاه الهام می‌گرفت و سیاست‌های حاج محمدحسین خان صدر را درباره درآمد شهر (بیشتر برای خود و نه شهر) دنبال می‌کرد.^{۳۴} تجربه نشان داده بود که اصفهان با اتحاد مذهب و سیاست می‌تواند توانمندی‌های شهر را در جهت اعتلا، توسعه، و قوامبخشی فرهنگ عمومی و به طور اخص توسعه مظاهر مدنیت، از جمله معماری و شهرسازی به خدمت گمارد.^{۳۵} به علاوه او برای مشروع کردن اسناد مالکیت و تصاحب املاک و زمین‌های مورد نظر خود، نیاز به ارتباط و اعتبار جناح مقابل داشت.^{۳۶}

۳-۲. آثار اجتماعی حکومت ظل السلطان بر چهره شهر

دوره حکومت ظل السلطان مقارن با نفوذ افکار روشنفکری و ترویج فرهنگ اروپایی در ایران بود.^{۳۷} بسیاری از قراردادهای اقتصادی، بازرگانی، تأسیس، و راه‌اندازی در زمینه‌های مختلف

صنعت، تجارت، معادن، ارتباطات، راه‌ها، سدسازی، نفت، و...^{۳۸} و مدرن‌سازی امور نظامی و دفاعی موجب آمدورفت بیگانگان در ایران شده بود. بدیهی است این اتفاقات مهم خارج از اراده حکام و نیروهای محلی بود و از سیاست‌های اصلاح‌طلبانه صدر اعظم سرچشمه می‌گرفت و به شهرهای دیگر رسوخ می‌کرد.^{۳۹} ظل السلطان دیگر قادر نبود همانند پادشاه تسلط خود را بر امور اعمال کند. ادامه این روند موجب بدگمانی، تردید و دودلی او در روال کارهایی شد که خود نام «اصلاحات» به آن داده بود. تغییر رویه او شکافی عمیق بین او و وزیران و پیشکارانش ایجاد کرد، که منجر به تسویه آنان شد و خوی بدسگالی او را به حرکت درآورد. اصفهان سابقه وجود نیروهای سیاسی و مذهبی ریشه‌داری داشت که، می‌توانست مردم را در برابر یکه‌تازی و آثار سوء فرهنگی به حرکت و واکنش درآورد؛ مردم نیز بین اراده دو قدرت سیاسی ظل السلطان و مذهبی آقانجفی و روحانیت دیگر درگیر بودند و با هجوم یکی، دیگری وارد میدان می‌شد و مردم را به خیابان می‌کشید و بازارها را تعطیل می‌کرد و یا قشون از جاهای دیگر به اصفهان گسیل می‌داشت.^{۴۰}

۳۳. عباس اقبال، «سید شفتی»، ص ۳۶؛ محمد بن سلیمان تنکابنی، *قصص العلماء*، ص ۱۸۰-۱۸۳.
۳۴. حسین پورنادری، «بررسی تحلیلی وضعیت ابنیه شهری اصفهان در زمان حکومت ظل السلطان»، ص ۶۶.
۳۵. همان‌جا.
۳۶. هرمز انصاری، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان*، ص ۵۱.
۳۷. عبدالحسین نوابی، *ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصرالدین‌شاه*، ص ۳۶.
۳۸. همان، ص ۶۶۲.
۳۹. همان، ص ۶۲۸؛ فریدون آدمیت، و هما ناطق، *افکار اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی دوره قاجاریه در آثار منتشر نشده*، ص ۲۳۷.

ت ۵. ظل السلطان، اصفهان



ظل السلطان توانسته بود به موقع روزنامه خود را منتشر کند و با این اهرم قدرتمند دامنه اقدامات و سیاست‌های خود را در برابر طرف دیگر در حساس‌ترین منطقه شهر- تلگرافخانه- آغاز و تا بیرون مرزهای کشور بگستراند.^{۳۱}

اداره امور شهرهای دیگر ظل السلطان از طریق عهد و پیمان و قرارداد به افراد مورد توجه او انجام می‌پذیرفت و بر اساس اخذ درآمد و پرداخت سهم حاکم و مالیات‌های دیوان بود. مردم اصفهان و شهرهای تحت حکومت او هنوز از زیر بار سنگین ناشی از فحطی‌رهایی نیافته بودند و چیزی بیش از یک زندگی ساده و معیشت حداقل نداشتند.

در این احوال تنها برخی از تجار، افراد سرشناس، رؤسا و فرماندهان افواج او یارای ساختن خانه‌هایی با معماری باشکوه آن زمان را داشتند و مردم عادی از الگوهای ساده و بدون تزئین یا کم‌تزئین برای احداث خانه خود بهره می‌بردند. مردم مایل نبودند نام آن‌ها همچون افرادی متمول سر زبان‌ها بیافتد و به تظاهر و احتیاط خاص خود زندگی می‌کردند.^{۳۲} مالیات را هم برخی به حکومت می‌پرداختند و برخی به علمای قدرتمند.^{۳۳}

امنیت بازار و شهر، با همان سبک قدیم، با داروغه و میر شب تأمین می‌شد و اگر کسبه در موقع روز و شب دکاکین خود

را باز رها می‌کردند امنیت آن برقرار بود.^{۳۴} زندان‌های اصفهان و سایر ولایات، فضای همین آثار ارزشمند و پرتزئین تاریخی بود، که به جای تعمیر و ترتیب و ارائه سیمای فاخر آن برای مقاصد آبرومند، پذیرایی از شخصیت‌ها، کتابخانه‌های عمومی، موزه‌ها، و سایر خدمات و فعالیت‌های مورد نیاز شهر، این‌گونه به مراکز نکبت‌باری چون مراکز اعدام، زندان، شلیک توپ و گلوله، مراکز بگیروبیند، و... تبدیل شده بود. در حالی که، همراه با ورود بسیاری از مظاهر تمدنی غرب به کشورهای جهان سوم از جمله کشور ما، راه و رسم تبدیل اینیه ارزشمند و فضاهای شهری تاریخی به موزه و مراکز تفریحی، دانش، آموزش، و هنر نیز قابل طرح بود.^{۳۵}

یکی از گران‌بهاترین این مظاهر، حکومت قانون در تمامی ابعاد آن، که صدر اعظم کشور میرزااحسین‌خان قزوینی برای تحقق آن خود را به آب‌آتش می‌زد، به وسیله شاهزادگان قدرتمندی نظیر حسام‌السلطنه و ظل السلطان نقش بر آب می‌شد و دیگر حکام جزء نیز به آن‌ها نگاه می‌کردند.^{۳۶}

به نظر می‌رسد فضای سنتی جامعه اصفهان امکان فعالیت‌های جدید آن دوره را که در زمینه‌های مختلف تفریحی- اجتماعی خوردوخوراک، آرایش و لباس، تشریفات و مهمانی‌ها (که محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه فهرست طولانی از آن داده است) را نمی‌پذیرفت و ضرورت آن هم احساس نمی‌شد. در پایتخت عصر ناصری علاوه بر خانه‌های جدید با الگوهای برون‌گرا، از هر گونه مظاهر معماری و شهرسازی و سیمای شهری متکی به ایجاد عادات جمعی، تفریح و فراغت، حمل‌ونقل عمومی، مهمانخانه‌ها، گردشگاه‌ها، و خیابان‌های پرجنب‌وجوش عابرین پیاده با مغازه‌ها و ویتترین‌های اجناس جدید و نوظهور حمایت می‌شد. برقراری نوعی عادات جدید به سبک اروپاییان و رواج آن در صدر برنامه‌های اصلاحات مشیرالدوله بود.^{۳۷}

در شهرهای دیگر از جمله اصفهان، به دلیل سوابق تاریخی اجتماعی و بافت منسجم پدیده‌های فرهنگی، پیاده کردن اهداف

۳۰. هرمز انصاری، همان، ص ۵۴.
 ۳۱. پورنادری، همان، ص ۹۱.
 ۳۲. همان، ص ۹۶.
 ۳۳. مشهور است مالیات‌های نیمی از دکاکین و بازارهای شرقی میدان نقش جهان (بازارهای قتادان و علاف‌ها و ...) به آقاجنسی پرداخت می‌شد و نیمه دیگر غربی (بازار کلاه‌دوزان و رنگرزان و ...) به ظل السلطان.
 ۳۴. گاسپار دروویل، سفر در ایران، ص ۹۰.
 ۳۵. پورنادری، همان‌جا.
 ۳۶. آدمیت، همان، ص ۲۲۸-۲۲۹.
 ۳۷. اعتماد السلطنه به طنز می‌نویسد: «ناصرالدین‌شاه، که خود از افراد سرشناس و دربار خود خواسته بود یک روز عصر برای قمار و سپس به اتفاق به تفریح بپردازند، در باغ کاخ حضور یابند، تنها دو نفر نیامدند یکی گفته بود در مکه توبه کرده‌ام، ولی پول قمار را به هر کس که بخواهد می‌دهم او قمار کند و دیگری گفته بود نمی‌آیم و پول هم نمی‌دهم. ناصرالدین‌شاه را خوش نیامده و بدون حضور آنان به همراهی بقیه به تفرح در باغ پرداخته بود.»



ت عر قلعه قمیشلو



غریبال کردند) و بردند.

برای او فرقی نمی‌کرد عمارت هشت‌بهشت، محل زندگی خواهرش باشد یا تبدیل به مدرسه همایونی شود^{۳۸} و یا هر کاربری دیگری پیدا کند، و اگر خواهر «حضرت والا» در آن زندگی کرد (که این‌گونه شد) برایش فرق نمی‌کرد که عمارت و قصر جهان‌نما را، که احتمال می‌داده از آنجا- از دروازه دولت- به باغ هشت‌بهشت دزدانه نگاه کنند! خراب کند یا خواهرش را جابه‌جا کند.^{۳۹}

اگر عمده‌ترین صفات و عملکردهای منفی حاکم اصفهان را در نظر آوریم، در خواهیم یافت که منفورتری چهره ظل‌السلطان به آثار اجتماعی اقدامات او برمی‌گردد^{۴۰} و همین عامل موجب نفرت تاریخی از او گردیده است، آن‌گونه که کارهای ننگین «تخریب ابنیه تاریخی» در اصفهان را ننگین‌تر بنمایاند و جمله کارهای مثبت او در عمران شهر (هرچند پراکنده و کم‌عمق) را در انظار پنهان، کم‌مایه، و بی‌ارزش.

خشونت، کشتن و مصادره اموال توسط ظل‌السلطان به خاطر (یا بهانه) برقراری امنیت، در برابر خشونت، قداره‌بندی، تعرض به جان و ناموس مردم، بی‌قانونی و نافرمانی و بی‌اعتنایی الواد به بالاترین مراجع جامعه و شاه سنگین‌تر نبود.

فوق و استقرار فعالیت‌های تفریحی مشابه پایتخت به راحتی قابل پذیرش نبود. نمای خانه‌ها و ساختار درونی آن در چهارچوب‌های سنتی خود متحول می‌شد. نکته مهم در این شرایط نبود «الگوی نمونه» برای استفاده از ابنیه موجود تاریخی برای کاربری‌های جدید و نیازهای شهر بود. طرح پارک، گردشگاه، مهمان‌خانه، مدرسه، و... در درون فضاهای تاریخی و سنتی موجود و تبدیل آن به کاربری‌های مورد نیاز روز، برای توسعه و ارتقای فرهنگ عمومی و رضایت خاطر و رفاه مردم، قابل پذیرش و امتحان بود. ظل‌السلطان در دوران اصلاحات خود توانسته بود برخی از زمینه‌ها را امتحان کند، او مدرسه همایونی را در مکانی عجیب، که هیچ تناسب با آموزش نداشت، در کاخ و عمارت هشت‌بهشت دایر کرد. سربازخانه‌ها را در محوطه‌های عمومی نظیر میدان چهارحوض ایجاد کرد، سراها و کاروان‌سراهای شهری را در قلب مجموعه اجتماعی و اقتصادی شهر، و درمانگاه و دفاتر پزشکی و زندان‌ها را در ابنیه فاخر دولتی صفویه که دستخوش فرسودگی زمان و بی‌اعتنایی حاکمان قبل بود جای داد. به همین ترتیب ادارات را در ابنیه صرفاً دولتی نقل مکان داد. نبود فرهنگ تعمیر و حفظ آثار گذشتگان (آن طور که در اروپا رواج داشت و ولاک نوشته است) و میل به تخریب ابنیه آبا و اجدادی و برقراری بنای جدید با هزینه گزاف آرزوی نسل جدید به‌شمار می‌رفت و به آن عمل می‌کرد.

ظل‌السلطان اعتقادی به فکر جمعی نداشت و خود را «اولین نمره و بزرگ‌ترین شاهزاده عالم» می‌دانست. آنچه به مشکلات و نیازهای روحی و مدیریتی او پاسخ می‌داد، حفظ و مابقی را به انواع معاملات می‌فروخت. مهم‌ترین نیاز او ثروت هنگفت از طریق ساده‌ترین راه‌های ممکن بود. کاخ‌های حاشیه زاینده‌رود و قلعه طبرک را با وسوسه پیدا کردن گنج به امین‌ترین افراد خود واگذار کرد، زیرا در یکی از کاخ‌ها (کاخ هفت‌دست) اثر بسیار ارزشمندی پیدا کرده و به ظل‌السلطان داده بودند. قلعه طبرک هم، که گنجینه سلاطین گذشته ایران بود، خاکش را بیخندند (=

۳۸. جناب، میرسیدعلی، اصفهان، ص ۱۴۳.

۳۹. همان، ص ۱۰۰.

۴۰. حتی قبح تخریب ابنیه تاریخی به پای عمل‌های اجتماعی منفی او نمی‌رسید.

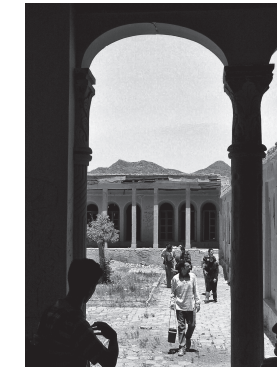
ت ۷. خانه معتمدالدوله در باغ نو.



۴. تخریب باغات و ابنیه تاریخی

پیدایش شیوه جدید بینش مالکانه در بین اعیان و اشرافی که به تازگی با تجمل زندگی اروپایی، و راه‌های جدید بهره‌برداری از زمین مزروعی، به منظور بازرگانی کردن آن، آشنا شده بودند^{۴۴}، عامل دیگری در تخریب ابنیه تاریخی بود.

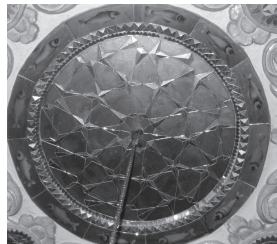
نگرش به زمین تغییر یافته بود، خصوصاً در اصفهان زمین‌های گورستان‌ها نیز تصاحب می‌شد. با تخریب ابنیه تاریخی نشانه‌های دولتی زمین محو می‌شد و زمینه دست به دست شدن بسیاری از املاک خالصه فراهم می‌گردید. «قبرستانی نیز [که] جداگانه به تصاریف ایام [شکل] پیدا نمود که، در حدود هشتصدساله، مردم بزرگ هنری در آن محل‌ها دفن بود، مانند شفیعی ابرو، استاد خط شکسته و عارف دل از دنیا گسسته و دیگران؛ چون شیخ حسن عرب کاشفی، ملقب به شیخ‌العرفین بر املاک پایین دروازه و حدود شرقی دست یافت، قبل از همه به تسطیح قبور و محو آثار اعصار و دثور^{۴۵} شتافت و همه آن محل‌ها را اراضی مزروع ساخت، حتی قبرستان زغالی‌ها را در ببحوحه شهر، نزدیک قلعه طبره، باغ انداخت»^{۴۶}. یا «باغ نظر، [را که] بیش از چهل و پنج هزار متر(مربع) و مادی نیاصرم [از] میان آن گذشته، شیخ حسن عرب شیخ‌العراقین فرمان گرفت و اولادش فروختند»^{۴۷}. بر طبق اسناد تاریخی، غالباً این‌گونه املاک در نزدیکی و یا مجاورت مادی‌های پرآب بوده است: «سوم مادی فدن... که جنوب خیابان خوش را طی نموده... برای پایین دروازه و املاک شیخ‌العراقین می‌رود...»^{۴۸} «پنجاه سال قبل که در آن [قلعه طبره] به تماشا پا می‌گذاشتیم،



بدون تردید سرمایه‌های ملی شهر یا به بیان دیگر تخریب ابنیه و قصور حاشیه‌زاینده‌رود عمل وقیحانه‌ای است، ولی اگر قول حاج سیاح^{۴۱} و یا قول سیدجمال‌الدین اسدآبادی را بپذیریم که، به قصد سرزنش و محکوم کردن ظل‌السلطان، به دلیل تخریب آثار تاریخی، به دیدارش رفته بود، و نظر وی را که گفته بود «من از ظل‌السلطان ناامید نشدم!» و یا اگر نامه‌های سراپا فحش (به صفویه) را که ظل‌السلطان ادعا کرده پادشاه به او نوشته بپذیریم،^{۴۲} تنها ظل‌السلطان نبوده که این آثار گران‌قدر را تخریب کرده است، ترغیب شاه هم بوده. ظل‌السلطان گفته بود: «نمی‌دانم چرا این کارهای موهن را پدرم به دست من انجام می‌دهد»^{۴۳}.

۴۱. گفته شده است وی رابطه‌ای دوستانه با ظل‌السلطان داشته است. او در جریان نهضت مشروطه خدماتی کرد (نک: محمدعلی بن محمدرضا سیاح، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت).
 ۴۲. همان، ص ۲۹۰.
 ۴۳. همان، ص ۲۹۲.
 ۴۴. پیتر آوری، از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ص ۱۸۸.
 ۴۵. کهنه شده.
 ۴۶. جابری انصاری، همان، ص ۱۷۰.
 ۴۷. همان، ص ۱۶۴.

ت ۸. (چپ) خانه بانو عظمی
خواهر ظل السلطان، گورت
ت ۹. (راست) اصفهان، خانه زفره



۲) دوره پس از مشیر که لجام گسیختگی و ترک تازی او سایه سنگین و بی حد و حصر خود را بر میراث و ثروت ملی افکنده بود. «در اصفهان تا مشیرالملک انصاری وزارت داشت، احدی را یارا نبود جز ظل السلطان که ملک خالصه را فرمان صادر کند، به خصوص به طبقات علما که، اصلاً یک وجب ملک نمی گذاشت دولت بدهد و صراحتاً می گفت: ناصرالدین شاه چه حقی دارد املاک دولتی را بفروشد؟ این املاک اعتبار دولت است. پس از مردن مشیر، غربای ولایت و بی مایگان جسور که بیم کسور و باقی دیوان نداشتند، متوکلاً علی الله از همه پیش قدم تر قسمت مهمی از املاک مرغوب را بردند. بعد، حلاوت زراعت به مذاق شاهزادگان و علما و اعیان و کسبه بازاری و بازرگانان از مردان گذشته تا به زنان بزرگان، یک مرتبه رسید، فوج فوج حمله به صدور فرامین آوردند، در زمان ناصرالدین شاه، خالصجاتی که به تصرف دیوان بود، چون گوشت روی قاب از یکدیگر ربودند و دست به دست به دیگران فروختند، که هر قریه در مدت ده سال پنج دست گشته به قیمت اربابی منتقل شد».^{۴۸}

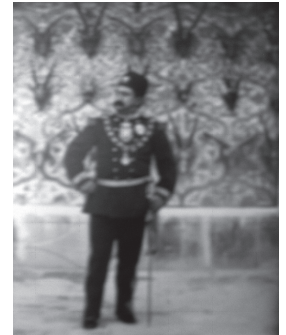
با این حال میرسیدعلی جناب در این باره مثبت نگریسته، تأثیر آن را بر آبادی شهر اصفهان این گونه آورده است:
تلگرافخانه قریب بیست سال از عمر او در اصفهان گذشته و دایر است، پستخانه شش سال است رفرم و منظم شده، مالیاتها را چون به موجب کتابچه و ثبت مرکز دریافت می دارند و نسبتاً از تعدی و فعال مایشاء بودن ضیاط محفوظ گشته، زراعت و املاک ترقی کرده قیمت آن ها چندین برابر سابق گشته است، مخصوصاً املاکی که اسم «خالصجات» داشت و «بایر» بود به سبب فروش آن در دهه

عمارات نارین قلعه دو طبقه و سه طبقه افتاده بود... ابتدا شیخ حسن شیخ العراقرین کاشفی آنجا را دست انداخت [و] برای ویران کردن عمارات و تسطیح زمینش، آب سهم پافنجان را از مادی فرشادی آورد و به آن بست و آنجا را تلی از خاک نموده، قلعه را زمین مزروعی نمودند».^{۴۹} وی می گوید: «سال یکهزار و سیصد و سیزده شیخ حسن عرب شیخ العراقرین قلعه طبره را تصاحب نمود».^{۵۰}

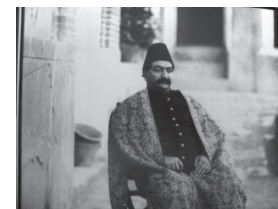
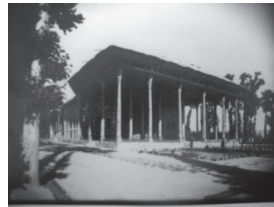
عامل دیگر، پدیده شوم فرمان گرفتن بود که، برای تصاحب املاک دولتی و خصوصاً باغات صفویه، تخریب اعیان و تبدیل عرصه های آن به زمین های کشاورزی، بیش از همه در اصفهان اوج گرفت. صاحب فرمان ها الزاماً اصفهانی نبودند. بعضی از این افراد از کارگزاران دولت در پایتخت و افراد صاحب نفوذ در جاهای دیگر بودند که، پس از گرفتن فرمان، ملک مربوطه را به سرعت می فروختند و ملک در عرض مدت کوتاهی چندین دست می گشت.

علاقه وافر به تصاحب و جمع آوری املاک مفت از همین زمان آغاز شد و به سرعت به اعیان و ارکان حکومت، صاحب منصبان و تجار و... سرایت کرد.^{۵۱} دوره زمامداری حاکم را می توان به دو دوره کاملاً متفاوت تقسیم کرد: ۱) دوره ای که مشیر وزیر او بود و قدرت را در مجاری قابل قبول جاری می کرد،

۴۸. همان، ص ۴۱۹.
۴۹. همان، ص ۱۴۶.
۵۰. همان، ص ۱۴۴.
۵۱. همان، ص ۲۷۳.
۵۲. همان، ص ۳۸.



ت ۱۰. وضعیت ابنیه تاریخی اصفهان در دوره ظل السلطان



سودجویان خارج کرد. این اقدامات همگی با مساعدت و نظارت پیشکاران وی صورت گرفت. او میرزا رضا سراج‌الملک که مردی توانا و خردمند بود به پیشکاری خود انتخاب کرد و مأموریت داد که مجموعه اقامتی موقت خود را در اصفهان و تهران بسازد.^{۵۴} وی در هیچ جای اصفهان عمارتی نظیر عمارت تهران- کاخ مسعودمیرزا با این اهمیت و تشخص بنیاد نکرد. بیشتر این عمارات را از الگوی معماری غیر شهری و قلعه‌مانند و با مصالح ساختمانی کم‌دوام احداث کرد. امروزه تنها تعداد کمی از آن عمارت‌ها باقی است و اغلب رو به ویرانی رفته است. از مهم‌ترین گونه عمارات او در اصفهان، یکی مجموعه قمیشلو در شمال غربی اصفهان است که به غیر از عناصر سازه‌ای، اغلب دیوارهای آن با قاب‌بندهای چوبی و توفال کوبی ساخته و روی آن‌ها اندود گل مالیده‌اند. بدین ترتیب هر دیوار به صورت لایه دوجداره نازک درآمده، که با گذشت زمان و فرسودگی، بسیاری از آن‌ها تخریب شده است.

او نظیر این عمارات را در اغلب روستاهای اطراف شهر و نقاط دور و نزدیک اصفهان بنا کرد. یکی دیگر از این عمارات «باغ نو» است که، تنها قسمتی از دیوار و سردر چینه‌ای ورودی و دو درخت کمیاب که از خارج آورده و کاشته است باقی مانده و تمامی وسعت بسیار زیاد باغ تخریب و به تدریج خانه‌سازی شده است.^{۵۵} باغ نو آخرین اثر معماری است که ظل السلطان پس از عزل از سمت‌های خود ساخت^{۵۶} (بنا به گفته اهالی آنجا شاهزاده، تا کوه آتشگاه را در طرح آتی باغ خود می‌دیده است). نکته درخور توجه آن است که در همین محله و در همسایگی آن لوطیان دوره قبل زندگی می‌کردند.

در این دوره آثار دیگر بنا شده که، مبین روح معماری پیشین است. چه در بناهای مذهبی، چه در تیمچه‌ها، دکاکین، و خانه‌های اشراف و اعیان، احترام به سنن معماری دیده می‌شود و از ابنیه جدید که در شهرهای دیگر نظیر تهران، تبریز، و سایر شهرهای بزرگ به تقلید از شیوه اروپایی برپا می‌شده است به

اول این سده چهاردهم شروع شد و متمولین خریداری کردند مزید بر آبادی گشت.^{۵۳}

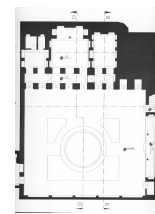
۵. آثار ظل السلطان در اصفهان

مسعودمیرزا ظل السلطان در طول دوره حکومت خود در اصفهان به ساختن باغ‌ها، قلعه‌ها، شکارگاه‌ها، و عماراتی چند مبادرت کرد. این ابنیه، که در اصفهان و مناطق اطراف آن ایجاد شد، حلقه‌ای محدودکننده و انحصاری پیرامون شهر برقرار و بخش عظیمی از اراضی مرغوب را از صحنه معاملات و تعرض دیگر

۵۳. جناب، همان، ص ۱۳۵.
 ۵۴. باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، «مجموعه تاریخی و فرهنگی باغ عمارت مسعودیه»، ص ۲۴.
 ۵۵. از آثار باقی‌مانده باغ نو در دو قطعه عکس آرشیو میراث فرهنگی معلوم می‌شود که باغ دارای دیوار بلند ورودی گسترده برای رفت‌وآمد پیاده و سواره بوده و شکل هلالی ورودی و عمارت کوشک‌گونه آن نمایی جدید [مانند زمان رونق باغ] دارد.
 ۵۶. مسعودمیرزا، همان، ص ۳۲۶.

(از راست به چپ)

ت ۱۱. قلعه قمیشلو: دیوارهای دو
جداره
ت ۱۲. بنای قلعه مانند: سه تصویر
از خانه طباطبایی- اصفهان
ت ۱۳. عمارت (تخریب شده) و
سردر باقی مانده از باغ نو.
ت ۱۴. درخت کمیاب باقی مانده
از باغ نو



شهری جای داد: (۱) عمارت‌های اعیان و اشراف؛ (۲) عمارات کسانی از دستگاه ظل‌السلطان که تازه به نان‌ونوایی رسیده بودند و یا جزء سران و رؤسای قشون او بودند و در اطراف و اکناف اصفهان مجموعه‌های مفصل و مرکب از چند دستگاه خانه ساخته بودند که همگی ویژگی‌های مشترکی داشتند و روح سنت‌های گذشته در آن‌ها جریان داشت؛ (۳) خانه‌های ساده مردم. در نمونه‌های اول و دوم، که بناهای فاخری بود، عناصر تشخیص‌دهنده بنا، ایوان‌هایی با پیشانی تاج‌دار، حوض‌خانه، و حیاط بود و این عناصر بقیه عوامل معماری را سازمان می‌داد. در نمونه‌های برون‌شهری کامل‌ترین عمارت مجموعه قمیشلو است که شخص ظل‌السلطان در دشتی بسیار بزرگ و بکر بنا کرد و به غیر از برج آجری، سایر بخش‌های آن با خشت و چوب ساخته شده و در سراسر مجموعه نشانه‌های «شتاب در ساختن» و راه‌حلی برای محدودیت‌های کمبود مصالح ساختمانی مشهود است.

۶. بررسی ابنیه شهری

با توجه به گزارش‌های مورخین، جغرافی‌دانان، و سیاحان این دوره^{۵۹} که وضعیت ابنیه شهری اصفهان را نشان داده‌اند، جداول

دور بوده است. در این نوع ابنیه آمیزه‌ای از روش‌های سنتی و بدیع به کار گرفته شده است.

این نوع ساخت‌وسازها در بناها و عمارات اصفهان مورد تحسین جهانگردان اروپایی بوده و آن را درخور پایتخت اصفهان صفویه دانسته‌اند، در حالی که از روند تولید ابنیه در شهرهای دیگر و خصوصاً در تهران به علت تسامح، سرعت، و شتاب بنایی و پاره‌ای تقلبات بین سال‌های ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۰ ق به شدت انتقاد کرده‌اند.^{۵۷}

از جمله مهم‌ترین آثار معماری ساخته‌شده در این دوره، مساجدی است که رکن‌الملک، میرزا سلیمان خان در تخت فولاد، آقاجفی در بازار (مسجد نو بازار)، با زمین وقفی، مساعدت مردم، و تخریب مدارس و آثار تاریخی نیمه‌ویران عباس‌آباد و جاهای دیگر و استفاده از مصالح آن‌ها ساخته‌اند.^{۵۸}

مسجد رحیم‌خان نیز، که علی‌رغم تداوم اقدامات بیگلربیگی ظل‌السلطان، چند نسل پس از او نیز ناتمام مانده بود، تماماً در ادامه ساخت‌وسازها و حال‌وهوای گذشته است و همین طور ابنیه‌ای که محمدابراهیم ملک‌التجار و برادران امین ساخته‌اند. به طور کلی ابنیه ساخته شده در دوره ظل‌السلطان را می‌توان در یک گروه خانه‌ها و قلاع برون‌شهری و سه گروه عمارات

۵۷. ادوارد پولاک، سفرنامه «ایران و ایرانیان»، ص ۵۴ و ۷۳؛ جرج ناتانیل کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ص ۴۲۷؛ میرزا محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات*، ص ۶۴؛ وحید قبادیان، *سنت و تجدید در عهد ناصرالدین‌شاه*، ص ۴۷.
۵۸. جابری می‌نویسد: «... در یک‌هزار و دویست و نود و نه دوازده ساله بودم، به تماشای رفته، رندی لایالی شنیدم این شعرخواند «ثلث و موقوفه و مخروبه و اموالی چند شد بنا مسجد نو بزم سپاهان را شمع».

۵۹. نک: محمدهدی بن محمد رضا الاصفهانی، نصف جهان فی تعریف اصفهان؛ اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات؛ اقبال، «سید شفتی»؛ آیت‌الله‌زاده شیرازی، «مجموعه تاریخی و فرهنگی باغ عمارت مسعودیه»؛ سیاح، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت؛ پیرزاده، سفرنامه پیرزاده؛ جناب، اصفهان؛ جابری انصاری، تاریخ اصفهان.

ت ۱۵. جدول راهنمای وضعیت ابنیه در بررسی‌های تحلیلی (ستون‌های مقابل).
ت ۱۶. جدول وضعیت عمارات

«ت ۱۵ و ۱۶» به دست آمد. مطالعات وضعیت ابنیه شهری اصفهان در روزگار حاکمیت ظل‌السلطان نشان داد که، هر اثر تاریخی در یکی از چهارچوب‌های کیفی ذیل می‌گنجد.

وضعیت عمارات دولتی: وضعیت و کیفیت آثار با توجه به علائم جدول «ت ۱۴» به صورت ذیل قابل معرفی است:
هشت‌بهشت +

عمارت صدری T

عمارت سرپوشیده و عمارت رشک‌جنان (سیف‌الدوله سلطان محمد میرزا) ++

بیرونی عمارت رشک‌جنان -

عمارت باغ کاج T (بعد از مشروطه به بلدیۀ اصفهان تبدیل شده و اکنون از آن اثری نیست).

میدان نقش جهان ++

عالی‌قاپو (عمارت خروجی) و تالار ستون‌دار ++

سردر خورشید O

میدان چهارحوض ++

میدان عتیق O

آبنه‌خانه T

نمکدان T

تالار طولیه O

عمارت کلاه فرنگی T

عمارت چرخاب T

تالار اشرف T

عمارت خسروخانی T

عمارت و سردر باغ هزارگریب T

چهل عمارت و باغ دیگر T

میدان توپخانه ++

عمارت جهان‌نما ++ (تخریب بعد توسط بانو عظمی) T

عمارت هفت‌دست T

یکی از عمارت‌های هفت‌دست O

وضعیت خیابان‌ها

خیابان خشک ++

خیابان درب کوشک O

خیابان محله نو O

خیابان پشت بار و دروازه نو O

خیابان یزدآباد O

خیابان کران O

خیابان پای‌قلعه O

خیابان شمس‌آباد O

وضعیت بازارچه‌ها

بازار چهارسوی شیرازی‌ها

(تنها بازار بدون سقف) O

سردر قیصریه ++

بازارچه بیدآباد +

بازارچه دردشت +

بازارچه غاز O

بازارچه بلند ++

ردیف	نوع اثر	نماد
۱	اثر تخریب شده: اثری تاریخی که به هر دلیل در زمان ظل‌السلطان تخریب شده است	T
۲	اثر رو به خرابی یا وضعیت بد: اثری در آن زمان به علت بی‌توجهی در شرایط بد و رو به خراب باقی مانده.	-
۳	به شکل وضعیت قبلی خود مانده (نه خوب و نه بد): اثری که همانند گذشته از آن استفاده می‌کرده‌اند، ولی صورت مطلوب نداشته و به آن توجهی نمی‌کرده‌اند.	O
۴	وضعیت خوب و فعال: اثری از دوره قبل که آن را تعمیر کرده و به آن توجه کرده‌اند و دارای فعالیت خوب بوده.	+
۵	در زمان حاکمیت ظل‌السلطان ساخته و یا تعمیر شده است و یا مورد توجه بوده.	++
۶	آثار برجسته ساخته شده در زمان ظل‌السلطان	+++
۷	اثری که بر اثر حوادث رو به خرابی رفته است و خرابی آن به دوره ظل‌السلطان ارتباط نداشته.	H
۸	اثری که از دوره گذشته، خوب مانده، ولی در زمان ظل‌السلطان توجه و تعمیر هم نشده.	+O
۹	به علت تعمیر اساسی در زمان‌های قبل خیلی خوب باقی مانده و در این دوره نیز به آن توجه شده.	++O

- وضعیت باغ‌های دولتی و اربابی
- باغ چهل ستون -
 - باغ هشت بهشت -
 - باغ مستمند O
 - باغ تخت O
 - باغ کاج +
 - باغ شیرخانه O
 - باغ طاووس خانه O
 - باغ نگارستان O
 - کل عنایت O
 - صفی میرزا O
 - معیر O
 - فراخان O
 - چرخاب O
 - دریاچه O
 - گلدسته O
 - بادامستان (تبدیل به) تلگرافخانه (الحال) +
 - باغ دریاچه هفت دست -
 - باغ و قصر سعادت آباد T
 - بهشت برین T
 - انگورستان T
 - میان سرای میان دو کلاه فرنگی هشت بهشت -
 - چهارباغ شاه عباس -
 - چهارباغ امین آباد -
 - چهارباغ صدری (فتح آباد) -
 - چهارباغ بالا O
 - باغ هزار جریب (عباس آباد) -
 - بادامستان T
 - نارنجستان T
 - باغ تخت T
- بازارچه چهارسو نقاشی O
- وضعیت سایر بازارچه‌ها
 - بازارچه‌ها ۵۰٪ بایر O
 - بازارچه‌ها ۵۰٪ بایر -
 - وضعیت چهارسوها
 - چهارسو شاه O
 - چهارسو مخلص O
 - چهارسو نقاشی ++ توسط سلمان خان رکن الملک
 - چهارسو فریدن O
 - چهارسو آجری O
 - چهارسو شیرازی‌ها -
 - چهارسو کوچک O
 - چهارسو علی قلی آقا O
 - چهارسو در شیخ O از گنبد آن اثری نبوده است.
 - چهارسو بیدآباد O
 - چهارسو دروازه نو O
 - چهارسو مقصود O
 - چهارسو نمکی O
 - چهارسوی قیصریه O
 - چهارسوی بازار زرگرها T
 - چهارسوی بازار چیت‌سازها O
 - چهارسو امامزاده اسماعیل O
 - وضعیت سقاخانه‌ها
 - نه سقاخانه میدان نقش جهان +
 - سقاخانه‌های چهارسوی شیرازی‌ها +
 - سقاخانه‌های بازار مسگرها +
 - سقاخانه‌های شاه +
 - چهل عدد از یخچال‌های شهر
 - یخچال‌های شهرستان O
 - بقیه یخچال‌ها به علت عدم حاجت -

مسجد مصری +	باغ آلبالو T
مسجد نیماورد ++	باغ طاووس T
مسجد ایلیچی O+	باغ نقش جهان T
مسجد لبنان O+	باغ سعادت آباد O
مسجد خیاطها O+	باغ خرگاه O
مسجد شیربزان O+	باغ فتح آباد T
مسجد ذوالفقار O+	باغ گلدسته T
مسجد دروازه نو O	باغ زرشک T
مسجد شمس آباد O	باغ چرخاب T
مساجد خیابان چهارسو O	باغ محمود T
مسجد سارونقی O	باغ صفی میرزا T
وضعیت مدارس	باغ قوشخانه T
مدرسه چهارباغ O-	باغ نظر T
مدرسه صدر O++	باغ جهان نما T
مدرسه ملا عبدالله -	چهل باغ و عمارت دیگر T
مدرسه نیم آورد O-	وضعیت خانه‌ها
مدرسه کاسه گران O-	خانه‌های قدیمی HO بر اثر فتنه افغان‌ها و حوادث
مدرسه مریم بیگم -	خانه‌های نوساز ++
مدرسه آقانور +	تعداد خانه‌ها + ۱۰۰۰۰
مدرسه جدۀ بزرگ O	وضعیت مساجد
مدرسه شاهزاده‌ها +	مساجد و مدارس O ۲۱۰ عدد
مدرسه میرزا حسین +	صحن مسجد جامع ++
مدرسه میرزامهدی +	صفه عمر -
مدرسه باباقاسم O+	صحن مسجد شاه ++
مدرسه صفویه دیگر -	صحن مسجد حکیم ++
وضعیت امامزاده‌ها	مسجد سیدمحمدباقر مجتهد رشتی O+
امامزاده احمد +	مسجد شیخ لطف الله O-
امامزاده اسماعیل O	مسجد رحیم خان ++
هارون ولایت O	مسجد شیخ علیخان O
وضعیت کاروان‌سراها و سراها و تیمچه‌ها	مسجد آقانور +

- | | |
|------------------------------------|-------------------------------|
| حمام مشیرالملک + | تعداد کاروان سراها ۸۴ باب + |
| حمام شاه‌علی + | کاروان سرای طباطبایی +++ |
| حمام نو + | کاروان سرای نوینجم + |
| حمام سیف O | کاروان سرای شاه - |
| حمام قهوه O | تیمچه ملک‌التجار +++ |
| شاهزاده‌ها O | کاروان سرای محمد صادق خان ++ |
| وضعیت پل‌ها | کاروان سرای حاج‌علی نقی ++ |
| پل مارنان O | سرای سارونقی ++ |
| سی‌وسه‌پل O | سرای فخر + |
| پل جویی O | سرای گلشن ++ |
| پل خواجه O | سرای جارچی ++ |
| پل خواجه ++ | سرای حاجی کریم ++ |
| پل شهرستان O | سرای طالار ++ |
| پل سروش بادران O | سرای ملاباشی + |
| وضعیت کلیساها | سرای میرزا کوچک + |
| کلیسای وانک + | سرای میرزا اسماعیل شماعی‌ها + |
| کلیسای بیدخم ++ توسط مظفرالدین شاه | کاروان سرای مادر شاه ++ |
| کلیسای مریم O | کاروان سرای مقصود - |
| وضعیت دیگر بناهای گزارش شده | کاروان سرای نقش جهان + |
| مناره شهرستان T | وضعیت حمام‌ها |
| قلعه تبرک T | تعداد حمام‌ها ۱۵۰ عدد |
| تکیه مسعودیه ++ | حمام خسروآقا O |
| | حمام علی‌قلی آقا O+ |
| | حمام شاه O+ |
| | حمام خواجه‌ها - |
| | حمام بیگدلی O |
| | حمام خواجه O |
| | حمام شیخ‌بهایی O |
| | حمام سنگ‌تراش‌ها O |
| | حمام چیت‌ساز O |

نتایج جدول «ت ۱۷»: نتیجه تحلیل مشخص می‌کند که شصت درصد از مساجد، قوت و مطلوبیت دارد و تنها پانزده درصد از مساجد رو به خرابی است. اختلاف زیاد این دو مقدار نشان‌دهنده قدرت روحانیت، ارتباط آن‌ها با مردم، و از جمله تقابل آن‌ها با سیاست‌های حاکم دولتی بر شهر است و این همان روحیه‌ای است که می‌توانسته در مقابل تجددخواهی فرهنگی مقاومت کند. رویکرد این نیرو در حیطه‌های معماری و شهرسازی، نوعی پوست انداختن از درون معماری بوده، و طراح

(راست، از بالا به پایین)
 ت ۱۷. جدول بررسی و تحلیل وضعیت مساجد.
 ت ۱۸. جدول بررسی و تحلیل وضعیت مدارس.

(چپ، از بالا به پایین)
 ت ۱۹. جدول بررسی و تحلیل وضعیت کاروانسراها
 ت ۲۰. جدول بررسی و تحلیل وضعیت بازارچه‌ها
 ت ۲۱. جدول بررسی و تحلیل وضعیت چهارسوها
 ت ۲۲. جدول بررسی و تحلیل وضعیت سقاخانه‌ها

درصد	تعداد هر مورد	مساجد مورد بررسی
۳۰	۷	تعمیر شده یا کیفیت خیلی مطلوب
۱۰	۳	خوب، فعال
۲۰	۵	تعمیر نشده، ولی خوب
۲۵	۶	نه خوب، نه بد
۱۵	۴	رو به خراب، بد

ابنیه شهری در تمایل به برون‌گرایی احتیاط لازم را از دست نداده است.

نتایج جدول «ت ۱۸»: از مدارس گزارش شده، ده درصد پررونق و مطلوب و چهل درصد مرمت شده و پررونق است و بیست درصد رو به افول گزارش شده است.

وضعیت جای‌گیری مدارس در بازار و پررونقی آن‌ها با کمیت‌های به دست آمده از وضعیت بازار همسو نشان می‌دهد، که مبین تأثیر بازار و تجار بر حمایت از مدارس است.

نتایج جدول «ت ۱۹» (وضعیت کاروانسراها): در مجموع نه درصد از نمونه‌ها حاکی از قدرت تجار اصفهان با پشتیبانی روحانیت است.

نتایج جدول «ت ۲۰»: با مقایسه ارقام درمی‌یابیم بیشتر بازارچه‌ها تحت توجه بوده است، که تعلق و نیاز مردم به فضاهای بازارچه‌ها را نشان می‌دهد. احتمال می‌دهیم این توجه و مرمت، کار خیرین محلی باشد، که در این صورت گویای انسجام اجتماعی و وفاق مردم با مراکز محلی و شهر است.

درصد	تعداد هر مورد	مدارس مورد بررسی
۱۰	۱	مربوط به گذشته، وضع خوب، شاخص
۳۰	۴	تعمیر نشده، ولی خوب
۴۰	۵	خوب، فعال
۲۰	۳	رو به خراب، بد

درصد	تعداد هر مورد	کاروانسراهای مورد بررسی
۱۰		بنا شده یا شاخص
۴۵		تعمیر شده، مورد توجه
۳۵		خوب، فعال
۱۰		رو به خراب، بد

درصد	تعداد هر مورد	بازارچه‌های مورد بررسی
۳۰	۲	تعمیر شده، یا بنا شده
۳۰	۲	خوب و فعال
۴۰	۳	وضع قبلی، نه خوب نه بد

نتایج جدول «ت ۲۵»: از تعداد ۸۳ عدد باغ گزارش شده، هفتاد درصد تخریب شده است، یک درصد تبدیل به فضاهایی با کارکرد جدید شده، نه درصد آن رو به ویرانی رفته، و بیست درصد در حالت نه خوب و نه بد گزارش شده است.

اگر ارقام تخریب شده و مرمت شده جداول «ت ۲۴ و ۲۵» را در کنار هم قرار دهیم، به واقعیت تلخ تاریخی پی خواهیم برد. اختلاف ارقام مذکور حاکی از یک امر غیر عادی در دوره مذکور است، که به صورت ننگ تاریخی درآمده و تمامی مسئولیت آن را به ظل‌السلطان نسبت داده‌اند، زیرا می‌خواستند مصالح آن‌ها را بفروشند، در حالی که ارقام مذکور گویای حقیقت دیگری از تفکر

درصد	تعداد هر مورد	چهارسوهای مورد بررسی
۹۰	۱۵	وضع قبلی، نه خوب نه بد
۵	۱	رو به خراب، بد
۵	۱	بنا شده، تعمیر شده

درصد	تعداد هر مورد	سقاخانه‌های مورد بررسی
۱۰۰	۱۲ عدد	خوب، فعال



(راست، از بالا به پایین)
ت ۲۳. جدول بررسی و تحلیل وضعیت حمام‌ها
ت ۲۴. جدول بررسی و تحلیل وضعیت عمارات دولتی و میدان‌ها
ت ۲۵. جدول بررسی و تحلیل وضعیت باغات دولتی و اربابی

(چپ، از بالا به پایین)
ت ۲۶. جدول بررسی و تحلیل وضعیت خیابان‌ها
ت ۲۷. جدول بررسی و تحلیل وضعیت پل‌های تاریخی
ت ۲۸. جدول بررسی و تحلیل وضعیت قلعه شهری
ت ۲۹. جدول بررسی و تحلیل وضعیت خانه‌های تاریخی به جای مانده

تعداد هر مورد	درصد	خیابان‌های مورد بررسی
۱	۱۵	تعمیر شده، یا احداث شده
۷	۸۵	وضع قبلی، نه خوب، نه بد

تعداد هر مورد	درصد	پل‌های تاریخی
۵	۸۵	وضع قبلی، نه خوب، نه بد
۱	۱۵	تعمیر شده، یا بوجودآمده

تعداد هر مورد	درصد	قلعه‌های تاریخی
۱	۱۰۰	تخریب شده

تعداد هر مورد	درصد	خانه‌های قدیمی و تاریخی متعلق به دوران صفویه
۱۰۰		در اثر حوادث رو به خراب باقی مانده کلیه خانه‌های قدیمی و تاریخی

احتمالاً چنین طرز فکری ظل‌السلطان را به فکر انداخت با تخریب اعیانی اماکن دولتی عرصه‌های آن‌ها را نیز به املاک خود بیافزاید، اما در این روند او تنها نماند و بسیاری از افراد سرشناس مملکت از او پیشی گرفتند.

۷. نتیجه

از دوره ۳۸ ساله حکومت ظل‌السلطان، فعالیت‌های یک دهه با خواست او همراه و موافق بود و پاره‌ای دیگر تحت تأثیر نفوذ افکار و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی اروپا به کشورهای دیگر، از جمله کشور ما تحقق یافته بود. ظل‌السلطان، هم‌زمان با روی کار آمدن میرزا حسین خان مشیرالدوله قزوینی (صدر اعظم) و با تدابیر او و به کمک پیشکاران باتدبیرش، در مدت هفت سال (تا درگذشت مشیرالدوله) دست به اقدامات مؤثری زد؛ ثبت و ضبط و اعاده هویت املاک دولتی و غیر دولتی، برقراری امنیت، و احیای املاک بلااستفاده. او بخشی از مبانی شهر را مرمت کرد

تعداد هر مورد	درصد	حمام‌های مورد بررسی
۹	۶۰	وضع قبلی، نه خوب، نه بد
۲	۱۳	مربوط به گذشته، وضع خوب، شاخص
۳	۲۰	خوب، فعال
۱	۷	رو به خراب، بد

تعداد هر مورد	درصد	عمارات و میدان
۶	۱۰	تعمیر شده، یا بنا شده
۱	۲	خوب، فعال
۴	۷	وضع قبلی، نه خوب، نه بد
۱	۱	رو به خراب، بد
۵۱	۸۰	تخریب شده

تعداد هر مورد	درصد	باغ‌های مورد بررسی
۱۵	۲۰	وضع قبلی، نه خوب، نه بد
۸	۹	رو به خراب، بد
۲	۱	خوب، فعال
۵۹	۷۰	تخریب شده

شبه مدرنیسم وارد شده به فرهنگ ما نیز هست، که از تغییر نگاه مالکانه به زمین و هجوم از طریق فرمان گرفتن و فروش باغ و اعیانی عمارات سرچشمه گرفته است. همین بینش، به نظر می‌رسد امروز نیز به اشکال دیگری جاری باشد؛ تخریب کنونی عمارات تاریخی سالم در شهر و محلات تاریخی، ادامه همان ذهنیت است که غالباً آن را در دو جمله توجیه می‌کنند: (۱) «عرصه‌های ابنیه تاریخی، به مثابه زمین‌هایی است که همواره رو به گرانی است»؛ (۲) «عمارات تاریخی همواره رو به خرابی است و با عرصه گران خود تناسبی ندارد».

در جلفا، جویباره، دردشت، بیدآباد و درب کوشک نشان می دهد این روند نتیجه همان خشت کچی است که افراد سودجوی آن زمان پی افکندند و افراد فرصت طلب زمان ما آن را کامل کردند.

منابع و مأخذ

آدمیت، فریدون. *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*، تهران: خوارزمی، ۲۵۳۶.

آدمیت، فریدون و هما ناطق. *افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دوره قاجاریه در آثار منتشر نشده*، تهران: آگاه، ۲۵۳۶.

آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر. «مجموعه تاریخی و فرهنگی باغ عمارت مسعودیه»، در مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی بم، ج ۵.

اعتمادالسلطنه، میرزا محمدحسن خان. *روزنامه خاطرات*، با مقدمه و فهرست از ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵.

افضل الملک، غلامحسین. *افضل التواریخ*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.

_____. *سفرنامه افضل الملک*، به کوشش ناصر افشارفره، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.

اقبال، عباس. «سید شفتی»، در *مجله یادگار*، سال پنجم، ش ۱۰.

انصاری، هرمز. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان*، به کوشش احمد جواهری، تهران: انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹.

ایوری، پیتر. *تاریخ معاصر ایران*، از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطائی، ۱۳۷۳.

بامداد، مهدی. *شرح حال رجال ایران*، تهران: زوار، ۱۳۷۱.

بلانت، ویلفرد. *اصفهان، مرورید ایران*، ترجمه محمدعلی موسوی فریدنی، به کوشش محمد احمدی‌نژاد، اصفهان: نشر خاک، ۱۳۸۴.

پورنادری، حسین. «بررسی تحلیلی وضعیت ابنیه شهری اصفهان در زمان حکومت ظل‌السلطان»، طرح پژوهشی، دانشگاه هنر اصفهان، تابستان ۱۳۸۶.

پولاک، ادوارد. *سفرنامه «ایران و ایرانیان»*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸.

پیرزاده، محمدعلی. *سفرنامه حاجی پیرزاده*، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران: بابک، ۱۳۶۰.

و عماراتی مفصل با مصالح کم‌دوام در اطراف و اکناف اصفهان هرچند با نیت شخصی بنا کرد که تا اندازه‌ای جلوی بی‌بندوباری توسعه شهر را گرفت. حوزه فعالیت‌های عمرانی ظل‌السلطان میدان نقش جهان و حوالی آنجا بود. میدان عتیق، میدان میر و بازارهای اطراف آن‌ها مانند گذشته مرکز فعالیت‌های مردمی، دست‌فروشان و بازارهای زغال‌فروشی، سبزی و آجیل بود، که در سیمای آن‌ها تغییری حاصل نشد. ابنیه دیگر، رها شده ماند. در مرکز شهر، از عمارات و باغات فاخر چهل‌ستون، عالی‌قاپو، صدی، سرپوشیده، و باغات اطراف آن استفاده می‌شد؛ و این مجموعه‌ها با غرس درختان و گل و گل‌کاری تزیین و نهر اطراف میدان را مرتب ساخته بودند. بر اثر نفوذ تجارت جهانی به کشور و زمینه‌های بیشتر فعالیت‌های تجاری، بازار اصفهان تأثیر پذیرفت. تعدادی تیمچه و سرای بزرگ تاجرنشین بوجود آمد و یا سازمان جدید پیدا کرد. اما بازارهای دور از این مرکز از جمله بازارهای شرقی - غربی و جنوبی میدان نقش جهان ساکنین قابل ملاحظه‌ای نداشت. از میان مدارس متعدد تنها چند مدرسه محدود مثل صدر و نیم آورد طلبه نشین و پر رونق بود و مدارس دیگر حتی مدرسه چهارباغ بدون طلبه بوده است. حمام‌های اصفهان کثیف و آلوده و در کمتر حمامی وضع بهداشتی قابل قبولی گزارش شده است. از سال ۱۲۹۸ ق به بعد فروش مصالح ابنیه و باغات نیز تنها راه منفعت جویی کوتاه مدت دستگاه حکومتی بود که به طمع گنج یابی تعدادی از ابنیه تاریخی با اشاره او توسط افراد دلال منش تخریب شد. تحت تأثیر نگرش جدید به زمین لطمه جبران‌ناپذیری بر پیکره ساختار شهر صفویه وارد شد، تفکیک باغات و تغییر کاربری آن‌ها بر سیمای شهری اثر گذاشت. این نگرش که از سال ۱۳۰۰ ق. آغاز شد تا زمان ما ادامه یافته است. اگر امروز نیز در آئینه معماری و شهرسازی شهر اصفهان بنگریم سخن دور از حقیقت نیست که تعامل آن زمان با آثار ارزشمند تاریخی، امروز نیز در جریان است. نگاهی به آمار سی‌چهل ساله زندگی و سرنوشت ابنیه موجود

- تحویلدار اصفهانی، میرزا حسین خان. *جغرافیای اصفهان*، به کوشش منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- تنکابنی، محمد بن سلیمان. *قصص العلماء*، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- جابری انصاری، میرزا حسن خان. *تاریخ اصفهان*، تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری، تهران: چاپ امیر، ۱۳۷۸.
- جکسن، ابراهام ویلیامز. *سفرنامه جکسن*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۹.
- جناب، میرسیدعلی. *الاصفهان*، به کوشش محمدرضا ریاضی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
- دروویل، گاسپار. *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شبوویز، ۱۳۶۵.
- رجایی، عبدالمهدی. *تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل السلطان (از نگاه روزنامه فرهنگ)*، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳.
- سیاح، محمدعلی بن محمدرضا، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹.
- قبادیان، وحید، *سنت و تجدد در عهد ناصرالدین شاه*.
- کرزن، جرج ناتانیل. *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- محمد مهدی بن محمدرضا الاصفهانی، *نصف جهان فی تعریف اصفهان*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اصفهان. مسعودمیرزا، سرگذشت مسعودی، ج ۱ و ۲ و ۳، به اهتمام و تصحیح حسین خدیوچم، ۱۳۶۸.
- _____. *تاریخ مسعودی*، تهران: یساولی (فرهنگسرا)، ۱۳۶۲.
- معلم حبیب‌آبادی، میرزاحمدعلی، *مکارم الآثار*، اصفهان: چاپخانه نشاط، ۱۳۶۲.
- مهدوی، سیدمصالح‌الدین، *مزارات اصفهان*، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.
- نوایی، عبدالحسین، *ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصرالدین شاه*، تهران: نشر هما، ۱۳۷۷.
- هنر فر، لطف‌الله، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، اصفهان: کتابخانه ثقفی، ۱۳۵۰.

۱۵۶

۵۳